

پژوهشی در مسیر امام علی (ع) به صفین و محل جنگ صفین

احمد خامه‌یار*

چکیده

جنگ صفین، که در 36 ق میان امام علی (ع) و معاویه درگرفت، نقطه عطف و واقعه‌ای بسیار مهم در تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید. در منابع گوناگون تاریخی، از قبیل وقعه صفین نصر بن مزاحم، گزارش‌های مفصلی درباره این جنگ و سیر حوادث آن و اسامی کشته‌های طرفین ثبت شده است، اما درباره برخی مباحث مربوط به آن، از جمله مسیر امام علی (ع) به صفین، اطلاعات چندانی در دست نیست. این نوشتار بر آن است تا با استناد به گزارش‌های پراکنده موجود در منابع تاریخی و با بهره‌جویی از منابع جغرافیایی، مسیر تقریبی امام علی (ع) به صفین و مسیر بازگشت آن حضرت به کوفه و نیز موقعیت جغرافیایی محل وقوع این جنگ را شناسایی کند. همچنین تلاش شده تا نقاط و زیارتگاه‌های متسبب به امام علی (ع)، که در طول این مسیر قرار داشته است، معرفی شود.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، جنگ صفین، (منطقه) صفین، فرات، جغرافیای تاریخی، زیارتگاه‌های اسلامی.

مقدمه

در سال 36 ق، اندکی پس از واقعه جمل، حضرت علی (ع) با هدف مقابله با «قاسطین»، یعنی معاویه و طرفداران وی، به سمت شام حرکت کرد. از سوی دیگر، معاویه نیز برای جنگ با آن حضرت، با لشکر خود به سمت عراق حرکت کرد. لشکر طرفین در منطقه‌ای به نام «صفین» به یکدیگر رسیدند و در این نقطه جنگی میان آن‌ها درگرفت که به «واقعه صفین» شهرت یافت. در جریان این جنگ، بسیاری از اصحاب بزرگ و یاران وفادار

* کارشناس ارشد مطالعات اسلامی و پژوهشگر حوزه زیارتگاه‌های اسلامی a_khamehyar@yahoo.com

تاریخ دریافت: 90/2/2، تاریخ پذیرش: 90/5/15

امیرالمؤمنین (ع)، از جمله عمار یاسر، اویس قرنی، خزیمه بن ثابت و غیره به شهادت رسیدند. جنگ صفین را - با توجه به نتایج و پیامدهای آن و سیر حوادث پس از آن، از جمله حکمیت و شکل‌گیری خوارج - می‌توان واقعه‌ای بسیار تأثیرگذار بر حوادث بعدی و نقطه عطفی در تاریخ اسلام دانست.

مهم‌ترین منبع تاریخی موجود درباره جنگ صفین، کتاب *وقعة صفین*، تألیف نصر بن مزاحم منقری (د 213ق) است که در آن اخبار و گزارش‌های بسیاری درباره این جنگ و سیر حوادث پیش و پس از آن جمع‌آوری شده است. در دیگر منابع تاریخی اسلامی نیز به تفصیل یا به اجمال، درباره این جنگ سخن گفته شده است، ولی در بیشتر این منابع، درباره مسیر حضرت علی (ع) از کوفه تا صفین و نیز مسیر آن حضرت در بازگشت به سوی کوفه و حوادثی که در طول آن رخ داده است، گزارش‌های واضح و اطلاعات جامعی به چشم نمی‌خورد، هر چند در برخی منابع تاریخی، از مزاراتی مرتبط با جنگ صفین و مسیر امام علی (ع) به آن، یاد شده است و امروزه نیز زیارتگاه‌هایی مرتبط با آن، از قبیل منزلگاه‌های امیرالمؤمنین (ع) در طول مسیر و نیز قبور برخی شهدای صفین وجود دارد. این زیارتگاه‌ها عمدتاً در مناطق مجاور رود فرات در دو کشور عراق و سوریه واقع شده است و بسیاری از آنها، حداقل برای عموم شیعیان، شناخته شده نیست و به نظر می‌رسد تاکنون پژوهش تاریخی و میدانی جامعی در این زمینه صورت نگرفته است. هدف این مقاله، معرفی موقعیت جغرافیایی صفین و شناسایی مسیر طی شده توسط امام (ع) و زیارتگاه‌های منتسب به آن حضرت (ع) در طول این مسیر است. نگارنده ضمن بازدید میدانی از بیشتر زیارتگاه‌های معرفی شده در این پژوهش در عراق و سوریه، با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای برنامه «گوگل ارث»، نقشه‌هایی از مسیر امیرالمؤمنین (ع) و محل جنگ صفین تهیه کرده است. (برای آگاهی تفصیلی درباره زیارتگاه‌های منتسب به امام علی (ع) در سوریه، ← خامه‌یار، 2008: 57 - 64).

در کتاب *وقعة صفین* نصر بن مزاحم منقری، اخبار و گزارش‌های شایان توجهی درباره مسیر امام (ع) به صفین و حوادثی که در طول آن اتفاق افتاده، ثبت شده است. هر چند این گزارش‌ها تا حدودی پراکنده و ناقص است، اما می‌توان با استناد به آن، مسیر تقریبی حضرت (ع) را، از کوفه تا صفین، و از صفین تا کوفه، مشخص کرد. کتاب *الفتوح*، تألیف ابن اعثم کوفی (د حدود 314ق) نیز حاوی گزارش‌هایی در این زمینه است. در تواریخ دیگری از قبیل *تاریخ طبری*، *تاریخ یعقوبی*، *مروج الذهب* مسعودی و غیره به اختصار به

مسیر امام علی (ع) به صفین اشاره شده است، منتها اخبار نصر بن مزاحم کامل تر از گزارش سایر منابع است. به هر حال، با توجه به تقدم کتاب *وقعة صفین* بر این منابع، به نظر می رسد بیشتر آن‌ها در نقل مطالب خود به این کتاب توجه داشته‌اند (برای آگاهی از گزارش‌های مربوط به مسیر امام علی (ع) به صفین در منابع تاریخی دیگر، ← دینوری، 1888: 176-178؛ طبری، بی تا: 4/ 565-566؛ مسعودی، 1973: 2/ 384؛ یعقوبی، 1883: 2/ 218).

1. مسیر امام علی (ع) از کوفه تا صفین

نخيله

به گفته منابع تاریخی، هنگامی که امام علی (ع) برای مبارزه با معاویه عزم خروج کرد، دستور داد تا داوطلبان برای شرکت در جنگ، در «نُخَيْله» گرد آیند. سپس امیرالمؤمنین (ع) به اردوگاه خود در نخيله رفت و به عمال و کارگزاران خود نامه نوشت تا در آن جا به ایشان بپیوندند (دینوری، 1888: 176). آن حضرت (ع) در 5 سوال 36، پس از ایراد خطبه‌ای در نخيله، با لشکر خود به سمت صفین حرکت کرد (منقری، 1990: 131). درباره موقعیت جغرافیایی نخيله، در انتهای مقاله، به تفصیل سخن خواهیم گفت.

پل کوفه

به روایت نصر بن مزاحم، امیرالمؤمنین (ع) پس از خروج از محدوده کوفه، دو رکعت نماز به جا آورد، سپس از رود فرات عبور کرد و نماز ظهر را اقامه کرد. او محل نماز ایشان را بین «قنطره» (= طاق) و «جسر» (= پل) مشخص کرده است (همان: 133). به گفته ابن اعثم، امام علی (ع) پس از گذشتن از پل کوفه، در «مسجد ابوسبره» دو رکعت نماز به جا آورد و نماز ظهر را در منزلگاه بعدی، یعنی «دیر ابوموسی» ادا کرد (ابن اعثم، 1991: 2/ 551). در سایر منابع، اشاره‌ای به مسجد ابوسبره نشده است.

دیر ابوموسی

توقفگاه دوم امیرالمؤمنین (ع) پس از عبور از رود فرات، «دیر ابوموسی» بوده که دو فرسخ از کوفه فاصله داشت. در این نقطه، حضرت (ع) نماز عصر خود را - به روایت نصر بن مزاحم (منقری، 1990: 134) - و یا نماز ظهر خود را - به روایت ابن اعثم (1991: 2/ 551) - ادا کرد.

ساحل رود نرس، حمام ابن عمر

امام علی (ع) در ادامه مسیر خود، پس از دیر ابوموسی، در نقطه‌ای در ساحل رود «نرس»، بین «حمام ابوبرده» و «حمام عمر»، توقف و نماز مغرب را اقامه کرد و تا نماز صبح همان‌جا اقامت کرد (منقری، 1990: 134). ابن اعثم محل توقف امام (ع) را حمام عمر ذکر کرده و نوشته است که ایشان در این نقطه، نمازهای عصر، مغرب، و عشاء خود را به‌جای آورد و شب را به صبح رسانید و سپس به راه خود ادامه داد (ابن اعثم، 1991: 2/ 551).

یاقوت حموی درباره نرس نوشته است که رودخانه‌ای است که نرسی بن بهرام بن بهرام بن بهرام در اطراف کوفه حفر کرده بود. منبع آن رود فرات بوده و در ساحل آن چندین روستا وجود داشته است. همچنین گفته شده نرس روستایی در بابل بوده است که ضحاک بیوراسب آن‌جا اقامت می‌گزید؛ و این رود، به آن روستا منسوب و نام‌گذاری شده است (حموی، 1977: 5/ 280).

در منابع جغرافیایی، از «حمام ابوبرده» و «حمام عمر» اطلاعی حاصل نشد، اما مقدسی (د حدود 380ق)، در ضمن اشاره به شهرهای کوفه، از «حمام ابن عمر» نام برده است (مقدسی، 1906: 114) که در مسیر بغداد به کوفه و در فاصله یک مرحله از کوفه قرار داشته است (همان: 134) و به‌نظر می‌رسد همان حمام عمر باشد که نصر بن مزاحم و ابن اعثم به آن اشاره کرده‌اند.

پل سورا

نصر بن مزاحم به این موضع اشاره نکرده است، اما یاقوت حموی به گذشتن امام علی (ع) از «پل سورا» در زمان رسیدن ایشان به «قُبَین» اشاره کرده است (حموی، 1977: 4/ 309). او درباره «سورا» نوشته است:

موضعی است در عراق در سرزمین بابل، و شهر سریانی‌هاست، و شراب را به آن نسبت داده‌اند. این موضع نزدیک «وقف» و «حله مزیدی» [= حله کنونی] واقع است (همان: 3/ 278).

مقدسی نیز «سورا» را از شهرهای کوفه دانسته است (مقدسی، 1906: 114).

قُبَین

براساس گزارش نصر بن مزاحم، امیرالمؤمنین (ع) در ادامه مسیر به گنبد «قُبَین» رسیده است. در این نقطه، نخل‌های بلندی در جوار یک «بیعه» (= دیر یا کلیسای مسیحیان) در آن

سوی رودخانه وجود داشته است که حضرت (ع) با دیدن آن آیه «والنخل باسقات لها طلع نضید» (ق: 10) را تلاوت کرد، سپس با مرکب خود از رودخانه گذشت و به آن بیعه رفت و شب را در آن سپری کرد (منقری، 1990: 135). ابن اعثم نیز به وصول امام علی (ع) به این مکان، بی ذکر نام آن، اشاره کرده است (ابن اعثم، 1991: 2/ 551).

یاقوت درباره قبین گفته است: «نام فارسی نهر و ولایتی است در عراق». وی در ادامه کلام خود به وصول امام علی (ع) به این محل اشاره کرده است (حموی، 1977: 4/ 309). شاید «گنبد قبین»، دیر یا کلیسایی بوده که در این محل وجود داشته است.

بابل

بابل شهر باستانی مشهوری است که امروزه در شمال شهر حله، و در فاصله 90 کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد. این شهر زمانی مرکز یکی از مهم‌ترین تمدن‌های باستانی بین‌النهرین و خاورمیانه بوده و امروزه از مهم‌ترین نقاط باستانی عراق به‌شمار می‌آید. بابل به مرور زمان به ویرانه‌هایی تبدیل شده بود، اما از آغاز قرن بیستم میلادی، کاوش‌های باستان‌شناسی فراوانی در آن صورت گرفته و بخش‌هایی از آن شناسایی و از زیر خاک بیرون آورده و بازسازی شده است.

به گفته مورخان، زمانی که حضرت علی (ع) به سرزمین بابل رسید، به برخی اصحاب خود فرمود: «در بابل زمینی است که در آن خسف شده است»، سپس از آنان خواست بر سرعت خود بیفزایند تا نماز عصر را بیرون از اراضی بابل اقامه کنند (منقری، 1990: 135؛ ابن اعثم، 1991: 2/ 551؛ دینوری، 1888: 177).

حادثه «رد الشمس» و زیارتگاه «مشهد الشمس»

براساس منابع شیعه، در بابل حادثه «رد الشمس» برای امیرالمؤمنین (ع) اتفاق افتاده است. تفصیل این حادثه، در روایاتی در منابع گوناگون شیعی نقل شده است. البته در این روایات، اختلافاتی در سبب و زمان وقوع آن و برخی جزئیات دیگر، وجود دارد که خلاصه آن چنین است: خورشید، پس از غروب، برای حضرت علی (ع) بازگشت تا ایشان نماز عصر را ادا کند و پس از اقامه نماز آن حضرت (ع)، خورشید دوباره غروب کرد. نصر بن مزاحم، وقوع این حادثه را در مسیر امام (ع) به سمت صفین روایت کرده است (منقری، 1990: 136)، اما در برخی منابع، به وقوع آن در زمان بازگشت آن حضرت (ع) از نهروان اشاره شده (خصیبی،

2002: 122-123؛ راوندی، 1409: 1/ 224)، و در برخی منابع نیز به زمان وقوع آن اشاره نشده است (مفید، 1995: 1/ 345-346؛ ابن شهر آشوب، 1387: 2/ 355-356).
 به هر حال، امروزه در نقطه‌ای در شمال شهر حله و در جنوب بقایای باستانی بابل، در شرق جاده حله به کربلا، زیارتگاه مشهوری به نام «مشهد الشمس» یا «مشهد رد الشمس» هست که دارای گنبد مضرّس مرتفع و زیبایی است. براساس باورهای شیعیان منطقه، این زیارتگاه در محلی ساخته شده است که خورشید برای حضرت علی (ع) بازگردانده شد تا حضرت نماز عصر خود را ادا کند. احتمالاً این شهر آشوب (د 588ق) نخستین کسی است که به این زیارتگاه و ارتباط آن با حادثه رد الشمس اشاره کرده است. او محل آن را «صاعديه» از توابع بابل ذکر کرده است (ابن شهر آشوب، 1421: 2/ 355). قدمت بنای مشهد الشمس، اواخر قرن ششم یا اوایل قرن هفتم هجری تخمین زده شده است (حیدر، 1994: 52). در این اثر نیز توصیف دقیقی از معماری و گنبد بنا ارائه شده است (همان: 52-54).

پل صراة

به روایت نصر بن مزاحم، حضرت علی (ع) پس از گذشتن از پل صراة، از ارض بابل خارج شد و در آنجا نماز عصر را اقامه کرد (منقری، 1990: 136)، و به گفته ابن اعثم، نماز ظهر خود را در این نقطه به جای آورد (ابن اعثم، 1991: 2/ 551).

یاقوت حموی از دو رودخانه به نام صراة نام برده است. رودخانه اول در نقطه‌ای به نام «مُحوّل» در یک فرسخی بغداد، از رود عیسی جدا می‌شود. رودخانه دوم که از آن با نام «صراة جاماسب» یاد شده است، از شاخه‌های رود فرات بوده و حجاج بن یوسف ثقفی، در کنار این رودخانه، شهر «نیل» را در ارض بابل بنا کرده است (حموی، 1977: 3/ 399-400). با در نظر گرفتن مسافت نه چندان اندک بابل و بغداد، می‌توان نتیجه گرفت که رودخانه‌ای که امیرالمؤمنین (ع) از آن عبور کرده، «صراة جاماسب» بوده که در حدود شهر بابل قرار داشته است.

دیر کعب

امام علی (ع) پس از عبور از پل صراة به «دیر کعب» رسید (منقری، 1990: 136). به گفته ابن اعثم، حضرت (ع) باقی‌مانده روز را در این نقطه سپری کرد و شب را نیز در آنجا به

صبح رسانید (ابن اعثم، 1991: 2/ 551)، و به گفته نصر بن مزاحم، شب را در شهر «ساباط» سپری کرد (منقری، 1990: 136).
در منابع جغرافیایی، اشاره‌ای به موقعیت دقیق دیر کعب نشده است.

مدائن

در منابع تاریخی، به گذشتن امام علی (ع) از «مدائن»، در مسیر ایشان به صفین اشاره شده است، مدائن (= شهرها) مجموعه‌ای از هفت شهر تاریخی نزدیک به یکدیگر بوده که در میان آن‌ها «تیسفون» از همه مهم‌تر به‌شمار می‌آمده است. این شهر در اواخر دوره ساسانی، پایتخت ساسانیان بوده و بقایای کاخ معروف به ایوان یا طاق کسری، از مهم‌ترین آثار معماری این دوره، تا امروز پابرجاست. تیسفون در حدود 40 کیلومتری جنوب شرقی بغداد واقع شده است و با توجه به این‌که مرقد سلمان فارسی در آن قرار دارد، در حال حاضر به «سلمان پاک» شناخته می‌شود (الخوند، بی‌تا: 12/ 223).

باید توجه داشت که امیرالمؤمنین (ع) در مسیر خود به صفین از شهر تیسفون عبور نکرده است، زیرا این شهر در شرق رود دجله قرار دارد، درحالی‌که حضرت علی (ع)، از برخی شهرهای دیگر مدائن که در غرب دجله قرار داشته، از جمله «ساباط» و «بُهْرَسِیر» عبور کرده است، که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

ساباط

امیرالمؤمنین (ع) پس از گذشتن از دیر کعب، به ساباط رسید و شب را در آن به صبح رسانید. در هنگام توقف امام (ع) در ساباط، دهقانان منطقه به نزد آن حضرت آمدند و ایشان را به غذا و اقامتگاه‌های خود دعوت کردند، ولی حضرت دعوت آنان را رد کرد. در آغاز صبح، حضرت (ع) از «مُظَلِّم ساباط» عبور کرد (منقری، 1990: 136). ابن اعثم از این مکان، به «ساباط مدائن» نام برده است (ابن اعثم، 1991: 2/ 554). یاقوت حموی نیز تحت عنوان «ساباط کسری»، درباره آن نوشته است:

موضعی است معروف در مدائن، و در فارسی «بلاس آباد» گفته می‌شود، و بلاس نام مردی است (حموی، 1977: 3/ 166).

همو تحت عنوان «مُظَلِّم»، به مظلم ساباط اشاره کرده و گفته است:

آن را به ساباط، نزدیک مدائن، مضاف می‌کنند و به مظلم ساباط شناخته می‌شود؛ و نام موضعی در آن جاست (همان: 5/ 152).

بَهْرَسِير

امام علی (ع) پس از ساباط، به «بهرسیر» رسید؛ و در این نقطه آن حضرت (ع) و اصحاب ایشان، طاق کسری را رؤیت کردند (منقروی، 1990: 142).

یاقوت درباره بهرسیر نوشته است: «از توابع بغداد و نزدیک مدائن است، و به بهرسیر رومقان نیز معروف است». او از حمزة اصفهانی (د360ق) نقل کرده است که: «بهرسیر یکی از هفت شهری است که «مدائن» به آن‌ها نامیده شده، و آن معرب «ده اردشیر» است». همو در جای دیگری گفته است که بهرسیر معرب «به اردشیر» است، که گویا معنی آن، نیک‌شهر اردشیر است. این شهر در غرب دجله واقع است، و همه شهرهای کسری ویران شده و از آنها، به جز بناهای این شهر، بنای دیگری باقی نمانده است. این شهر در مقابل ایوان [کسری] قرار دارد؛ ایوان در شرق دجله و بهرسیر در غرب دجله واقع است (حموی، 1977: 1/ 515).

به گفته نصر بن مزاحم، حارث اعور همدانی به دستور امام علی (ع) اهالی مدائن را به نماز جماعت به امامت آن حضرت (ع) و همراهی ایشان دعوت کرد و حضرت (ع) نیز در آن جا خطبه‌ای ایراد کرد (منقروی، 1990: 147). در همین شهر، امیرالمؤمنین (ع) معقل بن قیس ریاحی را مأمور کرد که همراه با سه هزار تن دیگر مسیر دیگری را طی کنند و از راه موصل¹ و نصیبین² خود را به شهر رقه برسانند و در آن جا به حضرت (ع) بپیوندند (همان: 148).

انبار

امام علی (ع) پس از مدائن، وارد شهر «انبار» شد و مردم و دهقانان آن جا به استقبال ایشان آمدند (همان: 143-144؛ ابن اعثم، 1991: 2/ 555). به گفته ابن اعثم، امام (ع) دو روز در انبار اقامت کرد و در روز سوم به مسیر خود ادامه داد (ابن اعثم، 1991: 2/ 555).

به گفته یاقوت، انبار شهری است بر فرات در غرب بغداد که بین این دو شهر ده فرسخ فاصله است، و ایرانیان آن را فیروزسابور [= فیروزشاپور] می‌نامیدند (حموی، 1977: 257/1). این شهر، مرز میان سرزمین جزیره و عراق از سمت رود فرات به‌شمار می‌آمده و

فاصله آن تا شهر رقه بیست روز بوده است (ابن حوقل، 1992: 189-190). شهر انبار از شهرهای مهم دوره ساسانی بود که در دوره اسلامی اهمیت خود را از دست داد. ابوالعباس سفاح، نخستین خلیفه عباسی، در 134 ق آن را به پایتختی خود برگزید و در آن قصری بنا کرد، ولی پس از وی برادرش منصور، پایتخت خلافت را به بغداد انتقال داد. امروزه ویرانه‌های انبار در سمت چپ (ساحل شرقی) رود فرات، در جنوب روستای «صقلاویه» کنونی قرار دارد (امین، 2002: 26/6-28). حسن امین، که در سال 1941 از انبار بازدید کرده، به وجود صخره سنگی بزرگ و استوانه شکلی در آن اشاره کرده است که نزد اهالی منطقه به «شمره علی» شناخته می‌شده و درباره ارتباط آن با امام علی (ع) داستان‌ها نقل کرده‌اند (همان: 29/6).

سرزمین جزیره

حضرت امیرالمؤمنین (ع) پس از گذشتن از انبار، وارد سرزمین «جزیره» شد. در این سرزمین، بنی تغلب و بنی نمر بن قاسط به استقبال ایشان آمدند (منقری، 1990: 146). سرزمین «جزیره»، منطقه جغرافیایی وسیعی است که بین دو رود دجله و فرات، در مجاورت سرزمین شام از سمت مشرق آن، قرار دارد. از مهم‌ترین شهرهای آن، رقه، حرّان، رها (= شانلی اورفای [Şanlı Urfa] کنونی)، آمد (= دیاربکر کنونی)، ماردین، میافارقین (= سیلوان کنونی)، نصیبین، رأس‌العین، سنجار، و موصل بوده است (← حموی، 1977: 134/2). این سرزمین امروزه بین سه کشور سوریه، ترکیه و عراق تقسیم شده است، به طوری که بخش‌های شرقی و شمال شرقی خاک سوریه و شمال خاک عراق و مناطقی از جنوب ترکیه را شامل می‌شود.

قرقیسیا

حضرت علی (ع) پیش از خروج از نخيله، زیاد بن نضر و شریح بن هانی را همراه 12 هزار تن از لشکریان خود به عنوان مقدمه جیش روانه شام کرد (منقری، 1990: 153؛ دینوری، 1888: 168؛ امام (ع) که در یکی از خطبه‌های خود به این موضوع اشاره کرده است ← نهج‌البلاغه، خطبه 48). آنان ساحل سمت راست (غربی) رود فرات را در پیش گرفتند تا این‌که به شهر «عانات» (عانة امروزی) رسیدند. در آن‌جا باخبر شدند که حضرت علی (ع)

مسیر «جزیره» را در پیش گرفته است و معاویه نیز برای رویارویی با حضرت (ع) از دمشق خارج شده است. برای همین، تصمیم گرفتند از رودخانه عبور کنند تا خود را به لشکر حضرت (ع) برسانند، ولی اهل «عانات» از عبورشان از رودخانه با کشتی‌ها و قایق‌های خود جلوگیری کردند. به ناچار، بخشی از مسیر خود را بازگشتند تا به شهر «هیت» رسیدند و در این نقطه از رود فرات عبور کردند و در روستایی پایین‌تر از قرقیسیا خود را به حضرت علی (ع) رساندند (متقوی، 1990: 153).

یاقوت درباره قرقیسیا آورده است:

حمزه اصفهانی گوید: قرقیسیا معرب کرکیسیا است. ... شهری بر رود خابور، نزدیک رحبه مالک بن طوق، در شش فرسخی از آن. آنجا مصب خابور در فرات است، و قرقیسیا در مثلثی میان خابور و فرات قرار دارد و گویند به نام قرقیسیا فرزند طهمورث شاه نامیده شده است (حموی، 1977: 4/328).

ابن حوقل درباره آن گفته است:

قرقیسیا شهری است بر خابور، دارای باغ‌ها و درخت‌ها و میوه‌های بسیار که فاصله آن تا رقه چهار روز راه است (ابن حوقل، 1992: 189، 204).

شهر قرقیسیا در صدر اسلام یکی از مهم‌ترین شهرهای منطقه جزیره در کنار رود فرات بود، ولی در دوره‌های بعدی اهمیت خود را از دست داد و به مرور زمان به تپه‌ای از خاک تبدیل شد. امروزه بر ویرانه‌های این شهر، روستای «بُصیره» وجود دارد. این روستا در سمت راست مصب رود «خابور» در فرات، در 40 کیلومتری جنوب شرقی شهر دیرالزور سوریه، واقع شده است. در منابع تاریخی، به حضور یا توقف امام علی (ع) در قرقیسیا اشاره نشده است، اما با توجه به اهمیت این شهر در قرون اولیه اسلامی و وقوع آن در مسیر امام (ع)، می‌توان آن را یکی از توقفگاه‌ها یا منزلگاه‌های امیرالمؤمنین (ع) دانست. شایان ذکر است که علی بن ابی بکر هروی، به وجود اثر کف دست امام علی (ع) در قرقیسیا اشاره کرده است (هروی، 1953: 66).

زیارتگاه‌ها و نقاط منسوب به امام علی (ع) در ساحل شرقی فرات

در منابع تاریخی، به توقفگاه‌ها و منزلگاه‌های امام علی (ع) در فاصله قرقیسیا و رقه اشاره‌ای نشده است و با توجه به این که این منطقه بیابانی خشک و بی‌آب و علف است، می‌توان نتیجه گرفت که آن حضرت (ع) مسیر اصلی و مستقیم به موازات رود فرات را طی کرده است. تا امروز، در این منطقه نقاط و زیارتگاه‌هایی منسوب به امیرالمؤمنین (ع) وجود دارد،

که از آن جمله می‌توان به تلّ امام علی (ع) در روستای «مُرَاط»، و گنبد امام علی (ع) در روستای «خس دعکور» در شرق رقه اشاره کرد.

در جنوب شرقی روستای مُرَاط، واقع در حدود 30 کیلومتری شمال غربی «بُصَیره» (=قرقیسیا) و 10 کیلومتری جنوب شرقی دیرالزور، مجموعه‌ای از تپه‌های تاریخی قرار دارد که در امتداد آن، تپه یا تلّ کوچکی منسوب به امام علی (ع) وجود دارد. این تلّ نزد اهالی روستا به مزار یا تلّ «علی ابوحسین» شناخته می‌شود و اهالی منطقه بر این باورند که امیرالمؤمنین (ع) در مسیر خود به صَفَین، در این نقطه ایستاده یا توقف کرده است. شایان ذکر است که قدمت روستای مُرَاط به دورهٔ دیرینه‌سنگی باز می‌گردد و کاوش‌های باستان‌شناسی، وجود شهری از دورهٔ بیزانس (پیش از اسلام) را در آن نشان داده است (المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، 1990: 5/ 191). بنابراین، می‌توان تصور کرد که در صدر اسلام در این محل شهری برپا بوده است.

در جنوب روستای «خس دعکور»، در منطقهٔ «حَوَس»، در حدود 50 کیلومتری شرق رقه، زیارتگاه دیگری وجود دارد که نزد اهالی منطقه، به «قبة علی» (= گنبد علی) شناخته می‌شود. این زیارتگاه، شامل اتاق مربع شکل کوچک و گنبدداری است که در میان محوطه‌ای محصور با دیوار سیمانی به ارتفاع حدود یک متر قرار دارد. در میان اتاق، صورت قبری برجسته از زمین وجود دارد که با پارچه‌های رنگارنگ پوشیده شده است. وجود تپه‌های تاریخی در پیرامون بنا، بیانگر قدمت منطقه است (تحقیقات میدانی نگارنده). همچنین، ابن شهر آشوب، در جایی که از زیارتگاه‌های امام علی (ع) در نقاط عبور ایشان نام می‌برد، به زیارتگاهی در «زلیلیا» اشاره کرده است (ابن شهر آشوب، 1421: 2/ 228). در منابع جغرافیایی اسلامی، به شهری به این نام اشاره نشده است، اما واقدی در اخبار فتوحات در منطقهٔ جزیره، از دو قلعه به نام‌های «زبّاء» و «زلابیا» نام برده که در طرفین رود فرات قرار داشته است (واقدی، 1996: 35). یاقوت حموی نیز زبّاء را شهری در ساحل فرات معرفی کرده است (حموی، 1977: 4/ 129). واضح است که «زلیلیا»، تحریف یا تغییر یافتهٔ «زلابیا» است. زبّاء و زلابیا، بی شک اسامی قدیمی دو شهر باستانی «حَلَبیه» و «زَلَبیه» کنونی است که ویرانه‌های آنها، در فاصلهٔ کمی از یکدیگر، در نقطه‌ای میان دو شهر رقه و دیرالزور (در حدود 58 کیلومتری شمال دیرالزور) در طرفین رود فرات قرار دارد. شهر حلبیه، از شهرهای دورهٔ بیزانس بوده که در ساحل غربی فرات قرار دارد و زلبیه نیز شهر کوچک‌تر یا در واقع دژی از

همین دوره است که بر روی دیواره صخره مرتفعی در ساحل شرقی رود فرات واقع است. بنابراین، این احتمال وجود دارد که امیرالمؤمنین (ع) در فاصله میان قرقیسیا و رقه، در شهر زلیبه توقف کرده باشد و بعدها، به یادبود حضور ایشان در این شهر، زیارتگاهی ساخته شده باشد.

بلیخ

امام علی (ع) پیش از رسیدن به رقه، در محلی به نام «بلیخ» در کنار رود فرات، و به گفته ابن اعثم در کنار رود بلیخ، توقف کرد. در آنجا راهبی از صومعه خود خارج شد و نوشته‌ای را که از اصحاب حضرت عیسی (ع) دست‌به‌دست به وی رسیده بود و در آن، رسیدن امام علی (ع) به این محل پیش‌بینی شده بود، برای امام (ع) قرائت کرد. سپس به یاران آن حضرت (ع) پیوست و در جنگ صفین به شهادت رسید (منقری، 1990: 147-148؛ ابن اعثم، 1991: 2/556).

بلیخ رودی از شاخه‌های فرات است که تا به امروز نیز به همین نام شناخته می‌شود. سرچشمه آن روستای «عین العروس» در جنوب شهر «تل ابیض» در 100 کیلومتری شمال رقه، نزدیک مرز ترکیه است و در شرق شهر رقه به رود فرات می‌ریزد.

رقه

امام علی (ع) پس از حرکت از کنار بلیخ، به شهر رقه رسید. اهالی آن، که دوستدار عثمان و طرفدار معاویه بودند، درهای شهر را به روی حضرت بستند و ایشان در نقطه‌ای در کنار فرات توقف کرد (ابن اعثم، 1991: 2/557). براساس منابع تاریخی، امام علی (ع) از اهالی رقه خواست که پلی [از قایق‌ها و کشتی‌ها] بر فرات بزنند تا حضرت از روی آن عبور کند، اما آنان از این کار سرباز زدند. ایشان تصمیم گرفت تا به «جسر منبج»^۳ برود و در آنجا، از فرات عبور کند. در آن هنگام مالک اشتر اهل رقه را به خون‌ریزی و توسل به شمشیر تهدید کرد و آنان پلی بر رود فرات زدند و حضرت (ع) با لشکر خود از آن عبور کرد (منقری، 1990: 151-152، 564-565).

شهر رقه، واقع در ساحل سمت چپ رود فرات، شهری تاریخی و کهن و امروزه مرکز استانی به همین نام در شمال سوریه است. فاصله آن از شهر حلب 180 کیلومتر، و از شهر دمشق 550 کیلومتر است. این شهر در دوره باستان، مجموعه‌ای از چند شهر نزدیک به یکدیگر بوده که در منابع اسلامی، از این شهرها تحت عنوان رقه بیضاء (= رقه سفید)، رقه واسط، و رقه سوداء (= رقه

سیاه) یاد شده و مهم‌ترین آن‌ها «رقه بیضاء» بوده است. در دوران اسلامی، منصور عباسی (خلافت: 136-158 ق)، بنای شهر جدیدی به نام «رافقه» را در غرب رقه کهن آغاز کرد که در زمان هارون الرشید (خلافت: 170-193 ق) به پایان رسید. شهر باستانی و کهن رقه به تدریج اهمیت خود را از دست داد و ویران شد و از آن پس نام رقه بر شهر رافقه اطلاق شد.

ساکنان شهر رقه (رافقه) پس از حمله مغولان و تیمور لنگ، از آن هجرت کردند و این شهر تا مدت‌ها متروک شد. در اواخر قرن 19 میلادی، با ایجاد یک پاسگاه پلیس در آن، برخی از عشایر بادیه‌نشین، در داخل باروی تاریخی آن سکونت گزیدند و از آن پس به تدریج زندگی به رقه بازگشت. با تأسیس سد بزرگ فرات، ساکنان جدیدی از نقاط دیگر به این شهر آمدند و پس از 1970 میلادی، بافت جدید شهر رقه، در غرب بافت کهن، تأسیس شد (الموسوعة العربية، 2004: 9/883).

در تعدادی از منابع تاریخی و جغرافیایی، به وجود مزاراتی مربوط به امیرالمؤمنین (ع) در رقه اشاره شده است. علی بن ابی بکر هروی و ابن شداد، از مشاهد امام علی (ع) و «مشهد الجنائز» در این شهر یاد کرده‌اند (هروی، 1953: 63. ابن شداد، 1978: 3/ قسم 72/1). هروی درباره مشهد جنائز تنها این توضیح مختصر را ارائه داده است که:

در آن، تخته‌چوبی که با آن شهدا [ی صفین] را از طریق رود فرات [به رقه] آوردند، وجود دارد (هروی، 1953: 63).

البته او به جای کلمه تخته‌چوب، اصطلاح «مردی» را به کار برده است که ظاهراً در زبان عرب، به معنی پاروی کشتی بوده است (ابن منظور، بی تا: 6/4173).

اصطخری نیز به موضعی در رقه اشاره کرده که محل بیت‌المال امام علی (ع) در ایام جنگ صفین بوده است (اصطخری، 1961: 54) و ابن حوقل نیز به وجود همین محل در صفین اشاره کرده است (ابن حوقل، 1992: 204).

همچنین ابن شهرآشوب، به مزارات دیگری منسوب به امام علی (ع) در رقه اشاره کرده که عبارت‌اند از: مصلی یا محل نماز خواندن آن حضرت (ع)، «مشهد الکف»، و مساجد «مجذاف»، «عرقل»، و «نور» (ابن شهرآشوب، 1421: 2/227).

او درباره مسجد مجذاف توضیح داده است که وقتی امیرالمؤمنین (ع) از اهل رقه قایق‌هایی خواست تا با آن اجساد شهدا را جابه‌جا کند، آنان با بهانه‌جویی سر باز زدند. حضرت آنان را سرزنش و نفرین کرد و سپس تیر چوبی بزرگی، موسوم به «مجذاف»

ساخت و شهدا را با آن جابه‌جا کرد (همان: 334).

مجداف یا مجداف، ظاهراً در عربی به معنی پارو بوده و به آن «مُردی» نیز گفته می‌شده است (ابن منظور، بی تا: 568/1) که علی بن ابی بکر هروی به وجود آن در مشهد جنائز در رقه اشاره کرده است. به این ترتیب، می‌توان احتمال داد که مسجد مجداف همان مشهد جنائز بوده است. همچنین ممکن است برخی از زیارتگاه‌های مورد اشاره ابن شهر آشوب، نام‌های دیگری برای مشهد امام علی (ع) باشد که در سایر منابع تاریخی به آن اشاره شده است. نام «مشهد کف» نیز می‌تواند دلالت بر این داشته باشد که در این زیارتگاه، اثر کف دست منسوب به امیرالمؤمنین (ع) وجود داشته است.^۴

علاوه بر زیارتگاه‌های فوق، بسیاری از مورخان به وجود قبور تعدادی از شهدای صفین در رقه اشاره کرده‌اند، از جمله علی بن ابی بکر هروی به قبر عمار یاسر و اویس قرنی اشاره کرده است (هروی، 1953: 63). ابن شداد حلبی نیز درباره قبور تعدادی از شهدای صفین از اصحاب امام علی (ع) در رقه سخن گفته، که به تعبیر وی، قبور آنان شناخته شده است (ابن شداد، 1978: 3/ قسم 72/1). همچنین یاقوت حموی از موضعی به نام «حَبِیس» در رقه نام برده که در آن قبور جمعی از شهدای صفین وجود دارد (حموی، 1977: 2/ 216). این موضع را بر محل کنونی زیارتگاه‌های شهدای صفین در رقه می‌توان منطبق دانست. امروزه در جنوب شرقی شهر رقه، در فاصله حدود یک کیلومتر از رود فرات، زیارتگاه وسیع و باشکوهی وجود دارد که در آن قبور منتسب به سه تن از شهدای صفین، یعنی عمار یاسر و اویس قرنی و ابی بن قیس قرار دارد. در سابق، بر روی قبر هریک از عمار یاسر و اویس قرنی، اتاق ساده و گنبدداری وجود داشته است (حرزالدین، 1971: 1/ 164، 2/ 100)، اما از اواخر دهه هشتاد میلادی، به دنبال توافق میان دولت‌های سوریه و جمهوری اسلامی ایران، کار ساختن بنای کنونی این زیارتگاه آغاز شد و پس از وقفه‌ای طولانی، در 1383 ش / 2004 م افتتاح شد.

بنای زیارتگاه، دارای صحن مستطیل وسیعی است که در گرداگرد آن، رواق‌ها، اتاق‌ها، و سالن‌هایی با کاربری دینی و اداری در دو طبقه ساخته شده است. در طرفین صحن، دو گلدسته مرتفع و دو گنبد مرتفع بر روی قبر عمار یاسر و قبر اویس قرنی بنا شده است. در خارج از ضلع شرقی این مجموعه، زیارتگاه ابی بن قیس قرار دارد که دارای گنبد کوچک‌تری است (تحقیقات میدانی نگارنده).

همچنین، در فاصله حدود چندصد متر از زیارتگاه شهدای صفین، در خارج از باروی شهر تاریخی «رافقه»، بقایای یک بنای تاریخی وجود دارد که امروزه به «باب بغداد» (= دروازه بغداد) شهرت دارد و اهالی رقه آن را یکی از دروازه‌های تاریخی شهر رافقه می‌دانند، اما در سال‌های اخیر، تعدادی از پژوهشگران اهل رقه، کاربری آن را به‌عنوان دروازه شهر رد کرده و دلایلی مبنی بر این‌که این بنا مشهد یا زیارتگاهی منسوب به امام علی (ع) بوده است، ارائه کرده‌اند. این بنا، از مهم‌ترین آثار تاریخی اسلامی قرون اولیه هجری در سوریه به‌شمار می‌آید و تعدادی از باستان‌شناسان به بررسی معماری آن پرداخته‌اند (برای آگاهی تفصیلی درباره این زیارتگاه و شواهد انتساب آن به امام علی (ع)، ← خامه یار، 2008: 62-64).

2. موقعیت جغرافیایی و محل جنگ صفین

در دوره‌های تاریخی اخیر، پس از حملات مغول و تیمور، و به‌دنبال ویران و متروک‌شدن تدریجی شهرها و مراکز مهم تمدن در سرزمین جزیره و مناطق مجاور فرات، از قبیل رقه، قرقیسیا، رحبه، و بالس نام صفین و موقعیت آن نیز به مرور زمان از یاد اهالی منطقه رفت. از نیمه‌های قرن 19 میلادی تا به امروز، به‌تدریج مهاجران جدید و یا عشایر بادیه‌نشین منطقه، در مجاورت برخی نقاط کهن منطقه ساکن شدند و هسته شهرهای جدید منطقه، از جمله رقه (در غرب رافقه)، میادین (در شرق رحبه) و دیرالزور شکل گرفت. بیشتر ساکنان جدید، از تاریخ مناطق محل سکونت خود آگاهی کافی نداشتند و بر بناهای تاریخی مکان‌های جغرافیایی، نام‌های جدیدی نهادند. مثلاً در شهر رقه، بر بقایای بیمارستان تاریخی این شهر، نام «قصر البنات» (= کاخ دختران)، و بر زیارتگاه (مشهد) امام علی (ع)، نام «باب بغداد» (= دروازه بغداد) نهادند. بر شهر باستانی قرقیسیا نام «بصیره»، و بر شهر تاریخی رحبه نام «میادین» نهادند. بنابراین، طبیعی بود که نام صفین را نیز بر منطقه‌ای نهند که هیچ ارتباطی با محل واقعی آن نداشته است.

در حال حاضر، باور عموم اهالی رقه و مناطق مجاور آن، این است که جنگ صفین در نقطه‌ای در نزدیکی روستای «عُکیرشی» واقع در حدود بیست کیلومتری شرق رقه رخ داده است. در این نقطه، بقایای قلعه‌ای قدیمی بر روی دیواره‌های صخره‌ای مرتفع مشرف به جلگه رود فرات وجود دارد که اهالی منطقه آن را «قلعه صفین» می‌نامند. حتی برخی از زائران شیعه، که برای زیارت قبور شهدای صفین به رقه مسافرت می‌کنند، از این منطقه

به‌عنوان محل جنگ صفین بازدید می‌کنند (تحقیقات میدانی نگارنده).

در منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی منطقه صفین در نقطه دیگری در غرب رقه، میان این شهر و شهر «بالس» تعیین شده است. از میان جغرافی دانان و مورخانی که در نوشته‌های خود به تشریح و توصیف موقعیت صفین پرداخته‌اند، می‌توان از اصطخری، ابن حوقل، یاقوت حموی، ابن عدیم، ابن خلکان، ابوالفداء ایوبی، صفی‌الدین بغدادی، و حمدالله مستوفی نام برد.

اصطخری (د نیمه اول قرن 4 ق) نوشته است:

در غرب فرات، بین رقه و بالس، ارض صفین قرار دارد و در آن قبر عمار یاسر، کشته گروه ظالمین وجود دارد (اصطخری، 1961: 54).

ابن حوقل (د بعد از 367 ق) نوشته است:

در غرب فرات بین رقه و بالس، ارض صفین قرار دارد و در آنجا قبور عمار یاسر و بیشتر اصحاب علی (ع) وجود دارد. صفین سرزمینی است در ساحل فرات و مشرف بر آن در نقطه‌ای مرتفع که قبور بیشتر اصحاب علی در آنجا واقع و شناخته شده است. شخصی به من خبر داد که در آنجا خانه‌ای است که بیت‌المال علی بن ابی‌طالب (ع) بوده است (ابن حوقل، 1992: 203-204).

یاقوت حموی (574 - 626) درباره صفین گفته است:

موضعی است نزدیک رقه، بین آن و بالس، در ساحل فرات از غرب آن (حموی، 1977: 3/414).

ابن عدیم (د 660 ق) نیز درباره آن نوشته است:

روستایی است بزرگ و آباد در نقطه مرتفعی از ساحل فرات، و فرات در پای آن است. در آنجا مشهدی برای امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) وجود دارد که گفته شده محل خیمه‌گاه او بوده است. محل واقعه، زمین هموار واقع در غرب آن بوده و قبور کشته‌های علی (رض) در زمینی در جنوب و شرق مشهد، و قبور کشته‌های معاویه در غرب مشهد واقع است، و اجساد آنان در تپه‌هایی از خاک و سنگ مدفون است. به‌علت فراوانی کشته‌ها، گودال‌هایی حفر می‌کردند و کشته‌ها را در آن می‌انداختند، و خاک روی آن‌ها می‌ریختند، و آن را از سطح زمین بلند می‌کردند، که با گذشت زمان به تپه‌هایی تبدیل شد (ابن‌العدیم، 1988: 1/280).

ابن خلکان (د 681 ق) می‌نویسد:

صفین، ارضی است بر ساحل فرات نزدیک قلعه جعبر، که در زمین شام واقع است، و قلعه

جعبر در زمین جزیره فرات قرار دارد و میان این دو، یک فرسخ یا کمتر فاصله است. در آنجا مشهدی است در محل واقعه مشهوری که میان علی بن ابی طالب و معاویه بن ابی سفیان رخ داد، و در آن قبور جمعی از صحابه که در این واقعه شرکت کردند و کشته شدند، قرار دارد، که از جمله آنان عمار بن یاسر (رض) است (ابن خلکان، بی تا: 329/2).

ابوالفداء ایوبی (د 732 ق) می گوید:

در غرب فرات، مقابل قلعه جعبر، ارض صفین قرار دارد که در آنجا جنگ [صفین] رخ داد (ابوالفداء ایوبی، 1840: 269).

صفی الدین بغدادی (د 739 ق)، پس از نقل سخن یاقوت درباره صفین، گفته است:

منطقه‌ای است بالاتر از بالس به فاصله نیم مرحله، و هر دو در سمت غرب فرات قرار دارند و رقه در شرق فرات، پایین تر از امتداد بالس؛ در آنجا واقعه میان علی (رض) و معاویه رخ داده است (بغدادی، 1992: 846/2).

حمدالله مستوفی (د 740 ق) نیز به نقل از رساله ملکشاهی آورده است:

آن قلعه (یعنی جعبر) در برابر دیه صفین است که رزمگاه امیرالمؤمنین مرتضی - علی کرم الله وجهه - و معاویه بوده است و بر لب آب فرات در آن حوالی مشهدی است که شهدای طرفین آنجا مدفونند. از دور تابوت‌ها و اشخاص شهدا در تابوت‌ها پدید بود. چون نزدیک می‌رفتند هیچ نمی‌شایست دید (مستوفی، 1378: 158-159).

بنابراین، با توجه به اقوال مورخان و جغرافی دانان، باید منطقه صفین را در نقطه‌ای میان دو شهر رقه و بالس، و مقابل قلعه جعبر جست‌وجو کرد. توضیح آنکه، شهر بالس در دوره بیزانس و قرون اولیه اسلامی، از شهرهای مهم منطقه شام در ساحل رود فرات بوده است که به مرور زمان، اهمیت خود را از دست داد و ساکنان آن نیز مهاجرت کردند. ویرانه‌های بالس امروزه در حدود پنج کیلومتری شمال شرقی روستای «مسکنه»، در میان دو شهر حلب و رقه قرار دارد، و با احداث سد عظیم فرات بر روی این رود در 1975 میلادی، بخش‌های وسیعی از آن، به زیر آب دریاچه وسیع پشت سد، موسوم به «دریاچه اسد» فرو رفت. قلعه جعبر نیز تا به امروز به همین نام شهرت خود را حفظ کرده و پس از احداث سد فرات، به صورت شبه جزیره کوچکی در ساحل شمالی دریاچه اسد درآمده است.

ظاهراً نخستین کسی که در دوره اخیر به موقعیت جغرافیایی صحیح صفین پی برده،

«الویس موسیل» (Alois Musil)، جغرافی‌دان غربی از کشور چک است، که در طول سال‌های پایانی قرن نوزدهم و نیز دو دهه آغازین قرن بیستم، پژوهش‌ها و سفرهای تحقیقاتی فراوانی در زمینه توپوگرافی و جغرافیای تاریخی مناطق صحرایی بلاد شام و شمال شبه جزیره عربستان انجام داد. او در کتاب خود، *فرات میانی* (The Middle Euphrates)، که در آن به شرح سفرهای خود در محدوده مناطق مرکزی مجاور رود فرات پرداخته، با ارائه برخی شواهد تاریخی، صفین را منطبق بر روستایی به نام «ابوهریره» دانسته است (موسیل، بی تا: 513).

در چند دهه اخیر نیز، «عبدالقادر ریحاوی»، باستان‌شناس سوری، در مقاله مفصلی که درباره جغرافیای تاریخی شهرها و مراکز کهن تمدن در حوزه رود فرات و سرزمین جزیره نوشته است، با ارائه شواهد مفصل از منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی و نیز شواهد باستان‌شناختی، به تعیین موقعیت جغرافیایی صفین پرداخته و آن را منطبق بر روستای «ابوهریره» و یا کوه معروف به «بنات ابوهریره» دانسته است (ریحاوی، 1969: 66-67).

روستای ابوهریره، روستایی نه‌چندان قدیمی است که امروزه در غرب شهر «الثوره»، در حدود 40 کیلومتری غرب رقه، واقع شده است. در فاصله چند کیلومتری شمال شرقی این روستا، و در شمال غربی شهر «الثوره»، کوه کم‌ارتفاعی مشرف به رود فرات، به نام «جبل بنات ابی هریره» وجود دارد که پس از احداث سد عظیم فرات در شمال شهر «الثوره»، زمین‌های پیرامون این کوه به زیر آب دریاچه پشت سد فرو رفت و این کوه به جزیره‌ای در میان دریاچه تبدیل شد. این جزیره، با جاده ماشین‌رو باریکی به ساحل شهر «الثوره» متصل است و در حال حاضر به منطقه حفاظت‌شده طبیعی «الثوره» تبدیل شده است. در نقطه مقابل جزیره در ساحل شمالی دریاچه، قلعه جعبر به وضوح پیداست.

از جمله شواهد دیگری که انطباق صفین را بر این نقطه تأیید می‌کند، وجود چند بنای آرامگاهی بسیار کهن اسلامی در منتهی‌الیه شمال غربی جزیره الثوره، یعنی «کوه بنات ابوهریره» است، که قدمت آن‌ها، با توجه به سبک معماری‌شان، از قرن چهارم تا نیمه اول قرن ششم هجری تخمین زده می‌شود. این بناهای آرامگاهی، به احتمال نزدیک به یقین، زیارتگاه‌های صفین (شامل مشهد امام علی (ع) و قبور برخی از شهدای جنگ صفین) است

که چند تن از مورخان و جغرافی دانان یادشده، از جمله اصطخری و ابن حوقل، به وجود آن در این منطقه اشاره کرده اند،^۵ و بی شک، نامگذاری این بناها به قبور یا برج های دختران ابهریره، کار ساکنان محلی و در دوره های اخیر بوده است.

همچنین، عبدالقادر ریحاوی به وجود محدوده ای از قبور در دامنه کوه بنات ابهریره و اطراف آن اشاره کرده است (ریحاوی، 1965: 21) که با توصیف منابع پیش گفته مبنی بر وجود قبور شهدا و کشته های جنگ در منطقه صفین، انطباق دارد.

ریحاوی در دو مقاله خود، که پیش از سال 1970م در *مجلة الحولیات الاثریة العربیة السوریة* (سالنامه باستان شناسی سوریه) منتشر کرده، بناهای آرامگاهی مورد نظر را معرفی و به اختصار توصیف کرده است (همان: 20؛ 1969: 67) و به نظر می رسد از آن تاریخ تاکنون، این بناها در هیچ منبع مکتوب و منتشر شده ای، معرفی نشده است. در ادامه، نگارنده به توصیف وضعیت کنونی این بناها می پردازد.

این بناها در حال حاضر شامل سه مقبره مربع شکل نیمه ویران است که در وضعیت بدی قرار دارد و با خطر فرو ریختن مواجه است. یکی از این مقابر، در سمت شرق قرار دارد و تمامی آن با آجر ساخته شده است. ضلع شمالی آن یک ورودی و هر یک از اضلاع شرقی، شمالی، و غربی آن دو پنجره دارد. در انتهای دیوارهای بنا تزئینات آجری ساده ای به چشم می خورد اما گنبد بنا کاملاً از بین رفته است. مقبره دوم، در سمت غرب قرار دارد و از آجر و سنگ ساخته شده است و دارای یک ورودی در ضلع شمالی و محراب کوچکی در ضلع جنوبی است. گنبد آن فرو ریخته، اما بخش هایی از گردن گنبد باقی مانده است. مقبره سوم نیز در مجاورت مقبره اول قرار دارد و بیشتر آن در دل خاک فرو رفته و تنها بخشی از دیوارهای آن را می توان دید (تحقیقات میدانی نگارنده).

تا پیش از احداث سد فرات در پای کوه، بقایای مسجدی تاریخی وجود داشته که دارای مناره آجری مدوری بوده که سالم باقی مانده است. با توجه به اینکه در صورت احداث سد، این مسجد و مناره آن به زیر آب دریاچه فرومی رفت، باستان شناسان مناره را کاملاً به نقطه ای مرتفع و مشرف به دریاچه در حاشیه شهر الثوره منتقل کردند. قطر مناره 3/5 متر و ارتفاع آن 15 متر، و دارای پایه ای مربع است و در انتهای آن چند پنجره کوچک طاقدار وجود دارد. در شمال سوریه، دو مناره دیگر شبیه این مناره وجود دارد که یکی از آن ها در مسجد جامع رقه و دیگری در قلعه جعبر قرار دارد و قدمت همه آن ها از دوره نورالدین محمود بن زنگی (حکومت: 541-569 ق) است.

به عقیده نگارنده، با توجه به توصیف مورخان و جغرافی دانان مسلمان از منطقه صفین، نقطه‌ای که این مسجد در آن قرار داشته، بیش از هر جای دیگری بر روستای تاریخی صفین منطبق است و محل وقوع معرکه نیز، زمین پست واقع در غرب این نقطه است که امروزه به زیر آب دریاچه فرورفته است (← نقشه شماره 1).

قاصِرین

به روایت نصر بن مزاحم، دو لشکر امام علی (ع) و معاویه در نقطه‌ای به نام «قُناصِرین» در مجاورت صفین به یکدیگر رسیدند (منقوی، 1990: 157). او همچنین، به خطبه سعید بن قیس و خطبه مالک اشتر در حمایت از امام (ع) و ذکر فضایل ایشان در «قُناصِرین» اشاره کرده است (همان: 236-238).

در *نهج البلاغه*، وصیت‌نامه‌ای از امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) نقل شده است که سید رضی در مقدمه آن آورده است که امام (ع) این وصیت (نامه) را در منطقه «حاضرین»، پس از خروج از صفین به امام حسن (ع) نوشته است (*نهج البلاغه*: نامه 31). ابن ابی‌الحدید نیز در تعلیق بر عبارت سید رضی در *نهج البلاغه*، که «این نامه را در حاضرین به امام حسن (ع) نوشت»، گفته است:

در گذشته این کلمه را به صورت صیغه تنبیه (حاضرین)، یعنی حاضر حلب و حاضر قنسرین (حومه و مناطق اطراف این دو شهر) تلفظ می‌کردیم. برخی نیز آن را به صیغه جمع، نه تنبیه، تلفظ می‌کنند و برخی دیگر آن را «خناصرین»، تلفظ می‌کنند، به گمان این‌که صیغه تنبیه یا جمع «خناصره» است (ابن ابی‌الحدید، 1967: 52/16).

این وصیت‌نامه در *کشف المحجّه* نیز با چند سند ذکر شده، که در انتهای یکی از آن‌ها، راوی گفته است که امام (ع) این نامه را پس از خروج از صفین به قنسرین نوشته است (ابن طاووس، 1950: 157).

در توضیح نقاط جغرافیایی فوق‌الذکر، باید گفت که در منابع جغرافیایی، به اماکنی به نام «قناصِرین»، «حاضرین» و «خناصرین» اشاره نشده است، اما «خناصره»، به گفته یاقوت، یکی از توابع حلب (حموی، 1977: 390/2)، و «قنسرین» یکی از شهرهای مهم شام در قرون اولیه اسلامی بوده است. حاضر حلب و حاضر قنسرین نیز، همان‌طور که ابن ابی‌الحدید توضیح داده، مناطقی در اطراف این دو شهر بوده است

(← حموی، 1977، 2/ 206). خناصره امروزه روستایی است در جنوب شرقی حلب که به نام «خناصر» شناخته می‌شود، و قنسرین نیز روستایی است در جنوب حلب که به نام «شیخ عیس» یا «العیسی» شناخته می‌شود. بنابراین، با توجه به وقوع این مناطق در منطقه شام و در فاصله نه‌چندان کمی از غرب صفین، که در زمان وقوع جنگ صفین تحت حاکمیت معاویه بوده، نمی‌توان پذیرفت که امام علی (ع) پس از جنگ به این مناطق وارد شده باشد.

با این حال، بلاذری در بیان فتوحات شام، به منطقه‌ای به نام «قاصرین» در نزدیکی بلس اشاره کرده که توسط حبیب بن مسلمه فتح شده است؛ وی نیز روستاهای نویلس، قاصرین، عابدین، و صفین را از روستاهای بلس یاد کرده است (بلاذری، 1987: 205).

به عقیده نگارنده، نام‌های حاضرین، قناصرین، خناصرین، و قنسرین هر یک تحریفی از نام «قاصرین» است و با توجه به وصفی که گذشت، به نظر می‌رسد قاصرین نام روستایی در نزدیکی صفین، و احتمالاً در سمت شرقی آن بوده که امام علی (ع) و لشکریان ایشان قبل و بعد از وقوع جنگ، در آن حضور یافته‌اند.

3. مسیر بازگشت امام علی (ع) به کوفه

به روایت نصر بن مزاحم، امیرالمؤمنین (ع) برای بازگشت به کوفه، مسیر جدیدی غیر از مسیر طی شده به صفین را انتخاب کرد. مسیر جدید، به موازات رود فرات و در ساحل غربی (سمت چپ) آن بوده است (منقری، 1990: 528). البته او از این مسیر به مسیر «بَر» (= خشکی) یاد کرده، که مقصود از آن، «بَر شامی»، یعنی سرزمین‌های متصل به شام و درواقع، نقطه مقابل سرزمین جزیره بوده است.

در کتاب *وقعة صفین* و سایر منابع، گزارش‌های مفصلی درباره شهرها و نقاط عبور و توقف امام علی (ع) در مسیر بازگشت ایشان وجود ندارد. با این حال، براساس برخی شواهد تاریخی، می‌توان موقعیت احتمالی برخی از این شهرها و توقفگاه‌ها را تشخیص داد.

رقه

در منابع تاریخی، به عبور امام علی (ع) از شهر رقه در مسیر بازگشت خود، اشاره صریحی

نشده است. تنها ابن شهر آشوب، در هنگام سخن از «مسجد مجذاف» در رقه، گزارش مبهمی مبنی بر این که امیرالمؤمنین (ع) از اهل رقه قایق‌هایی خواست تا با آن اجساد شهدا را جابه‌جا کند، ارائه داده است (ابن شهر آشوب، 1421: 334/2)؛ پیش‌تر به این گزارش اشاره شد.

رحبه

شهر «رحبه» در قرون نخستین هجری از شهرهای مهم واقع بر ساحل راست رود فرات بوده است و در بسیاری از منابع، از این شهر با نام «رحبه مالک بن طوق» یاد شده است، زیرا گفته‌اند آن را مالک بن طوق تغلبی در زمان هارون الرشید بنا کرده است (حموی، 1977: 34/3؛ المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری، 1990: 376/5). ویرانه‌های این شهر، که امروزه تنها آثار کمی از آن، از جمله بقایای قلعه آن، باقی مانده است، در غرب شهر جدید «میادین»، در 45 کیلومتری جنوب شرقی شهر دیرالزور، قرار دارد.

در منابع تاریخی، به عبور امام علی (ع) از رحبه، در هنگام بازگشت اشاره نشده است، اما برخی به وجود زیارتگاهی مربوط به ایشان به نام «مشهدالبوق» در این منطقه اشاره کرده‌اند، از جمله علی بن ابی بکر هروی که درباره این زیارتگاه گفته است:

در خارج از رحبه مشهدالبوق قرار دارد، و آن موضعی است که علی بن ابی طالب، زمانی که به قصد جنگ با معاویه می‌رفت، در آنجا توقف کرد (هروی، 1953: 67).

براساس برخی منابع شیعی نیز، این مشهد در محل وقوع معجزه‌ای از امام (ع) در مسیر صفین بنا شده است.

ابن شهر آشوب، در بیان معجزات امام علی (ع)، به این زیارتگاه اشاره کرده و گفته است:

اصل مشهدالبوق در رحبه شام آن است که علی (ع) [در آن محل] خبر داد که اکنون معاویه و لشکر او از دمشق خارج شدند و بوق‌ها به صدا درآمد. او صدای بوق‌ها را از مسافت هجده روز شنید و این یک خرق عادت است (ابن شهر آشوب، 1421: 334/2).

قطب راوندی نیز به وقوع همین معجزه و بنای مشهدالبوق در محل آن اشاره کرده، اما نامی از مکان وقوع آن نبرده است. به نوشته وی:

امیرالمؤمنین (ع) هنگامی که به سمت صفین خارج شد، در صحرایی توقف کرد که میان آن و دمشق صد فرسخ یا بیشتر فاصله بود، و در آنجا نمازی به‌جا آورد. پس از پایان نماز، سر از سجده شکر برآورد و گفت: «[صدای] بوق خروج معاویه از دمشق را می‌شنوم».

تاریخ آن روز را یادداشت کردند، دیدند خروج معاویه در همان تاریخی بود که حضرت گفته بود. [بعداً] در آنجا مشهدی به نام مشهدالبوق بنا شد (راوندی، 1409: 2/916).

ابوالعباس احمد بن ابراهیم ضُبّی (د 398 ق)، وزیر فخرالدوله دیلمی، در این باره سروده است (ابن شهر آشوب، 1421: 2/334):

وحیال رحبة مالک أصغی إلی نعرات بوق فی دمشق یقعقع
فاهتر من طرب و قال لصحبه هَذَا ابْنُ هِنْدٍ لِلرَّحِیْلِ لَمَزَمِع

این اشعار، نشان دهنده شهرت این معجزه نزد شیعیان، حداقل از قرن چهارم هجری است. امروزه در فاصله حدود پانزده کیلومتری جنوب شهر میادین و آثار رحبه، چشمه آبی است که نزد اهالی منطقه به «عین علی» (= چشمه علی) شناخته می شود و آن را بسیار مقدس می دانند، زیرا بر این باورند که این چشمه، با ضربه سم اسب امیرالمؤمنین (ع) بر زمین یا نشستن شتر ایشان (ع) در این محل به وجود آمده است. در فاصله چند ده متری از چشمه، بر روی یک بلندی در امتداد دیواره صخره‌ای مشرف به جلگه فرات، بقایای مسجد و مناره‌ای تاریخی به چشم می خورد. این مسجد تا کمتر از نیم قرن گذشته پابرجا بوده، اما در حال حاضر تقریباً از بین رفته و فقط مناره آن باقی مانده است که آن هم از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. این مناره که از آجر و قلوه سنگ بنا شده، هشت ضلعی است و ارتفاع کنونی آن سیزده متر است. در برخی اضلاع مناره، بقایای تزئیناتی از قبیل محرابچه‌های آجری به چشم می خورد (تحقیقات میدانی نگارنده).

گویند در این نقطه، در دوره مملوکی، روستایی به نام «مشهد» وجود داشته است (شوحان، 1989: 38). بر این اساس و با توجه به وجود چشمه منسوب به امام علی (ع) در مجاورت این مکان، می توان نتیجه گیری کرد که این مسجد و مناره باقی مانده آن، ویرانه‌های مشهدالبوق مذکور در منابع تاریخی است.

البته لازم به ذکر است که با توجه به این که مسیر امام علی (ع) به صفین، به تصریح منابع تاریخی، از سرزمین جزیره می گذشته و آن حضرت (ع) برای بازگشت به کوفه، مسیر واقع در اراضی شام را در پیش گرفته است، باید در وقوع این معجزه در رحبه به دیده تردید نگریست و محل آن را در جای دیگری در ساحل شرقی رود فرات فرض کرد. به هر حال، با توجه به قراردادن رحبه در مسیر تقریبی بازگشت امام علی (ع) از صفین و وجود زیارتگاه مربوط به ایشان در نزدیکی آن، که در منابع تاریخی نیز به آن اشاره شده است،

تصور این که شهر رحبه و زیارتگاه واقع در آن، از منزلگاهها و نقاط عبور آن حضرت (ع) بوده باشد، نه تنها بعید نیست، بلکه محتمل است.

زیارتگاه‌های منسوب به امام علی (ع) در فاصله میان رحبه تا هیت

همان گونه که اشاره شد، در منابع تاریخی گزارش‌های مفصلی درباره شهرها و نقاط عبور و توقف امیرالمؤمنین (ع) در مسیر بازگشت ایشان از صفین وجود ندارد. با این حال، امروزه در چندین نقطه از مناطق مجاور ساحل غربی فرات، که در طول این مسیر واقع بوده است، زیارتگاه‌هایی وجود دارد که اهالی آن را به حضور امام علی (ع) در این مناطق مربوط می‌دانند. از جمله این مزارات زیارتگاه کوچکی است که در روستای «سُویعه»، در جنوب شهر بوکمال، در خاک سوریه و در حدود پنج کیلومتری مرز عراق واقع است. این زیارتگاه نزد اهالی به «قبة علی» (= گنبد علی) شناخته می‌شود و شامل اتاق مربع شکل کوچک و گنبدداری است که در میان محوطه‌ای محصور قرار دارد (تحقیقات میدانی نگارنده).

همچنین، زیارتگاهی منسوب به امیرالمؤمنین (ع) در حدود هشت کیلومتری شمال شهر عانه در خاک عراق قرار دارد که در اطراف آن ویرانه‌های شهری از میان رفته به چشم می‌خورد. زیارتگاه دیگری نیز در روستای «معاذید» در جنوب «خلیلیه» در عراق واقع است و این دو زیارتگاه نیز به گنبد علی (ع) شناخته می‌شود («مشهد الإمام علی فی عانة»، 1989: 635).

هیت

براساس گزارش نصر بن مزاحم، امام علی (ع) در مسیر بازگشت از صفین از شهر «هیت» گذشته است (منقروی، 1990: 528). ابن اعثم نیز به عبور امیرالمؤمنین (ع) از این شهر اشاره کرده است، با این تفاوت که عبور حضرت (ع) از آن را در مسیر ایشان به سمت صفین و پس از پشت سر گذاشتن شهر انبار دانسته است. او در ادامه نوشته است که امام (ع) پس از گذشتن از هیت، در محلی به نام «اقطار» توقف کرد و در آنجا مسجدی بنا کرد که تا زمان وی، یعنی اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری پابرجا بوده است (ابن اعثم، 1991: 556/2).

ابن حوقل درباره هیت گفته است:

هیت شهری است متوسط در غرب فرات، که دارای قلعه‌ای است، و در آن قبر عبدالله بن مبارک، زاهد عابد ادیب، قرار دارد (ابن حوقل، 1992: 205).

یاقوت نیز درباره آن نوشته است:

شهری است بر رود فرات، در نواحی بغداد و بالاتر از انبار. دارای نخل‌ها و محصولات فراوان است و در مجاورت صحرا قرار دارد (حموی، 1977: 421/5).

هیت شهری باستانی است که قدمت آن به دوران تمدن سومری بازمی‌گردد. این شهر امروزه در ساحل راست رود فرات، در فاصله حدود 60 کیلومتری غرب شهر رمادی (مرکز استان انبار عراق) است.

با توجه به وقوع شهر هیت در ساحل غربی فرات و اشاره نصر بن مزاحم به عبور امام علی (ع) از این شهر در مسیر بازگشت به کوفه، به نظر می‌رسد گزارش ابن اعثم درباره عبور آن حضرت (ع) از هیت در مسیر حرکت ایشان از کوفه به صفین دقیق نیست و باید به آن با دیده تردید نگریست.

صندوقدا

به گفته نصر بن مزاحم، امام علی (ع) پس از هیت به صندوقدا رسیده و شبی را در آن گذرانده است (منقری، 1990: 528).

در بیشتر منابع جغرافیایی به موقعیت دقیق صندوقدا اشاره‌ای نشده است. فقط صاحب مرصد الاطلاع، آن را «روستایی در غرب فرات، و بالاتر از انبار، که خراب شده است»، معرفی کرده، و در ادامه نیز به وجود مشهدی از آن امام علی (ع) در آن روستا اشاره کرده است (بغدادی، 1992: 853/3). نگارنده از موقعیت فعلی صندوقدا اطلاعی حاصل نکرده است.

معجزه ظاهر کردن چشمه آب در صحرا به دست امام علی (ع)

در تعدادی از منابع شیعه، روایاتی مبنی بر وقوع یکی از معجزات امیرالمؤمنین (ع) در مسیر ایشان به صفین و یا مسیر بازگشت ایشان نقل شده است. البته منابع در جزئیات حادثه اختلاف دارند و فحوای آن به اختصار چنین است که امام (ع) در مسیر صفین، به همراه لشکر خود وارد صحرائی بی‌آب و علف شد و در نزدیکی ستون یا میل بلندی توقف کرد که در بالای آن راهبی زندگی می‌کرد. نزدیک این ستون یا میل، صخره‌ای وجود داشت که اصحاب حضرت (ع) نتوانستند با یکدیگر آن را بلند کنند، ولی امام (ع) آن را از جا کند و

در زیر آن چشمه آب بسیار زلالی پدیدار شد. پس از آنکه اصحاب ایشان از آب چشمه سیراب شدند، حضرت (ع) صخره را به جای اول برگرداند و چشمه را پوشانید. سپس از آنجا حرکت کردند، اما هنوز دور نشده بودند که امام (ع) از اصحاب خود خواست تا برگردند و چشمه را بیابند. برخی از اصحاب حضرت (ع) بازگشتند، اما نتوانستند محل چشمه را بیابند. پس نزد راهب رفتند و او به آنان خبر داد که به جز پیامبران یا اوصیای پیامبران، هیچ کس نتوانسته است این چشمه را آشکار کند (منقری، 1990: 145؛ خصیبی، 2002: 148-149؛ مفید، 1995: 334/1-336؛ ابن شهر آشوب، 1421: 2/326؛ راوندی، 1409: 2/864-865). در برخی از این منابع افزوده شده است که آن راهب اسلام آورد و به امیرالمؤمنین (ع) پیوست و سرانجام در جنگ صفین به شهادت رسید (خصیبی، 2002: 149؛ مفید، 1995: 337/1؛ ابن شهر آشوب، 1421: 2/326).

شایان ذکر است که تقریباً همه منابعی که به این حادثه اشاره کرده‌اند، زمان وقوع آن را در هنگام حرکت امام علی (ع) به سمت صفین دانسته‌اند، در حالی که این منابع در محل وقوع آن با یکدیگر اختلاف دارند و بیشتر آن‌ها، محل وقوع حادثه را در یکی از مناطق واقع در ساحل غربی رود فرات ذکر کرده‌اند. در روایت نصر بن مزاحم، که احتمالاً قدیمی‌ترین راوی آن است، محل وقوع آن «ظهر کوفه» ذکر شده است (منقری، 1990: 145). ابن شهر آشوب و قطب راوندی مکان وقوع آن را صندوق دانسته‌اند (ابن شهر آشوب، 1421: 2/326؛ راوندی، 1409: 2/325). در روایت حسین بن حمدان خصیبی و شیخ مفید، محل وقوع آن پس از گذشتن امام (ع) از کربلا ذکر شده است (خصیبی، 2002: 148؛ مفید، 1995: 334/1). ابن اعثم نیز، محل آن را صحرائی که امیرالمؤمنین (ع) در حد فاصل میان انبار تا هیت از آن گذشته، دانسته است (ابن اعثم، 1991: 2/555).

شبهات برخی جزئیات این داستان با داستان راهب «بلیخ» - که پیش‌تر بدان اشاره شد - قابل تأمل است و به نظر می‌رسد بین این دو داستان خلط صورت گرفته باشد.

شایان ذکر است که در حدود 25 کیلومتری جنوب غربی کربلا، نزدیک جاده این شهر به «عین‌التمر»، چشمه آبی وجود دارد که به «قَطَّارَه» امام علی (ع) شناخته می‌شود و اهالی، آن را محل معجزه امام (ع) و همان چشمه‌ای که حضرت (ع) در مسیر صفین، در نزدیکی دیر راهب آشکار کرده است، می‌دانند. در اطراف این محل، دیواره‌های صخره‌ای نسبتاً مرتفعی وجود دارد. اخیراً بر روی چشمه، گنبد کوچکی بنا کرده‌اند (تحقیقات میدانی

نگارنده). نام‌گذاری این مکان به «قطاره»، یادآور نام مسجد «اقطار» است که به گزارش ابن اعثم، به فرمان امام علی (ع) در شهر هیت ساخته شده است.

کربلا

در برخی منابع، روایات گوناگونی نقل شده است که براساس آن، وقتی حضرت علی (ع) به کربلا رسید، واقعه عاشورا را پیش‌گویی کرد (منقری، 1990: 140-142؛ خصیبی، 2002: 148؛ مفید، 1995: 332/1). ابن اعثم زمان وصول امام علی (ع) به کربلا و پیش‌گویی‌های آن حضرت (ع) را درباره واقعه عاشورا، پس از خروج ایشان از دیر کعب و پیش از رسیدن به ساباط، ذکر کرده است (ابن اعثم، 1991: 551-554). این مستلزم آن است که لشکر امام علی (ع) دو بار از رود فرات (یک بار از ساحل شرقی به غربی، و بار دیگر از ساحل غربی به شرقی) عبور کرده باشد، در حالی که او به عبور لشکر آن حضرت (ع) از فرات هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرده است.

نصر بن مزاحم نیز این روایات را در ضمن گزارش‌های مربوط به حوادث مسیر امام (ع) به سمت صفین آورده است، اما در هیچ یک از آن‌ها اشاره صریحی وجود ندارد که رسیدن امام (ع) به کربلا در مسیر رفت ایشان بوده است، بلکه در یکی از این روایات، که سند آن به هرثمه بن سلیم منتهی می‌شود، راوی نقل خود را با این جمله آغاز کرده است:

به همراه علی در جنگ صفین شرکت کردیم و زمانی که به کربلا رسیدیم ... (منقری، 1990: 140-142).

این جمله به وضوح نشان‌دهنده آن است که حضرت علی (ع) پس از پایان جنگ و در مسیر بازگشت خود از صفین از کربلا گذشته است.

نخيله

آخرین نقطه در مسیر بازگشت امیرالمؤمنین (ع) پیش از رسیدن به کوفه، منطقه «نُخَيْله» بوده است، یعنی همان‌جایی که حضرت (ع) مسیر خود به صفین را از آن‌جا آغاز کرد (همان: 528).

در رابطه با موقعیت جغرافیایی نخيله، لازم به ذکر است که یاقوت آن را نزدیک کوفه از سمت شام مشخص کرده است (حموی، 1977: 278/5). امروزه چندین مکان به نام نخيله

وجود دارد و این به ما القا می‌کند که اهالی هریک از این مناطق، آن را محل اردوگاه حضرت علی (ع) می‌دانند.

از جمله، در میان دو روستای «سبخته» و «رحبی»، در حدود 25 کیلومتری شرق رقه، و در فاصله چند کیلومتری از قلعه صفین، که اهالی آن را به اشتباه محل وقوع جنگ صفین می‌دانند، بقایای قلعه دیگری وجود دارد که به «نخيله» شناخته می‌شود و اهالی آن را محل اقامت امام علی (ع) می‌دانند.

همچنین، در مجاورت مرقد مشهور به ذوالکفل پیامبر در روستای «کفل» (بین کوفه و حله)، مسجدی تاریخی وجود دارد که آن را «مسجد نخيله» و محل نمازخواندن حضرت علی (ع) پیش از عزیمت ایشان به صفین دانسته‌اند (حرزالدین، 1971: 294؛ ← الطریحی، 1989: 353)، در حالی که از منابع تاریخی به وضوح استفاده می‌شود که حضرت (ع) پیش از گذشتن از فرات و رفتن به سمت دیگر، یعنی ساحل شرقی، در نخيله اردوگاه خود را برپا کرده است و اشاره یاقوت حموی به این که نخيله نزدیک کوفه از سمت شام بوده است، وقوع آن را در ساحل غربی فرات تأیید می‌کند.

شاید علت این که نخيله را امروزه در مجاورت مرقد ذوالکفل دانسته‌اند، روایتی از نصر بن مزاحم است که براساس آن، در نخيله زیارتگاهی وجود داشته که یهودیان آن را به عنوان قبر حضرت هود (ع) زیارت می‌کردند، اما امیرالمؤمنین (ع) آن را قبر یهودا فرزند یعقوب (ع) معرفی کرد (منقری، 1990: 126-127)، و با توجه به این که در دوران اخیر این زیارتگاه را همان مرقد ذوالکفل دانسته‌اند (← حرزالدین: 1971: 294؛ الطریحی، 1989: 352) نخيله را نیز همان جا پنداشته‌اند.

نگارنده با استناد به روایت نصر بن مزاحم مبنی بر وجود مزار حضرت هود (ع) در نخيله، این منطقه را بر قبرستان وادی السلام منطبق می‌داند، زیرا امروزه در این قبرستان مزاری منسوب به این پیامبر الهی وجود دارد که به باور نگارنده همان مزار مورد اشاره در کتاب *وقعة صفین* است.

نتیجه گیری

بر پایه شواهد تاریخی، جغرافیایی، و باستان‌شناختی و با توجه به نتیجه‌گیری‌های پژوهشگران قبلی مشخص شد که محل جنگ صفین، در نقطه‌ای در غرب شهر کنونی

«التوره» (در استان رقه سوریه) قرار داشته که امروزه بخش وسیعی از آن به زیر آب‌های دریاچه سد فرات فرو رفته است (← نقشه شماره 1). با این حال، وجود آثار باقی‌مانده از زیارتگاه‌های شهدای صفین در این منطقه، یادبودی است برای این واقعه تاریخی سرنوشت‌ساز که روند تاریخ اسلام را کاملاً تغییر داد.

همچنین با استناد به منابع تاریخی بیان شد که امام علی (ع) برای عزیمت به صفین مسیری در ساحل چپ رود فرات را پیموده است و طی این مسیر از شهرها و مناطق گوناگون، از جمله بابل، مدائن، انبار، و قرقیسیا گذشته است و پس از عبور از فرات در ناحیه شهر رقه، به سمت غرب حرکت کرده و در منطقه صفین با لشکر معاویه مواجه شده است. سپس آن حضرت (ع) برای بازگشت به کوفه مسیر دیگری یعنی ساحل سمت راست رود فرات را انتخاب کرده و احتمالاً پس از عبور از شهرها و نقاط مهم واقع در طول این مسیر، از قبیل رحبه، هیت، و کربلا به کوفه بازگشته است (← نقشه شماره 2). وجود زیارتگاه‌های متعددی از دیرباز تاکنون در مناطق واقع در طول این مسیر، که اهالی آن را مربوط به حضور امام علی (ع) می‌دانند، شاهدی است بر این که با گذشت نزدیک به چهارده قرن از واقعه صفین، هنوز هم امیرالمؤمنین (ع) در وجدان ساکنان این مناطق حضور دارد و از یاد و خاطره آنان فراموش نشده است.

70 پژوهشی در مسیر امام علی (ع) به صفین و محل جنگ صفین



نقشه شماره 1. موقعیت جغرافیایی منطقه صفین



نقشه شماره 2. مسیر تقریبی امام علی (ع) به صفین

پی نوشت

1. مهم ترین شهر شمال عراق و مرکز استان نینوا، واقع در حدود 460 کیلومتری شمال بغداد.
2. از شهرهای تاریخی مهم منطقه که در حال حاضر در جنوب شرقی ترکیه، در مجاورت مرز سوریه، واقع شده است و در مقابل آن در خاک سوریه شهر قامشلی قرار دارد.
3. جسر منبج شهری در ساحل راست (غربی) فرات، در حد فاصل میان دو شهر جرابلس و بلس (= مسکنه امروزی) در شمال سوریه بوده که در آنجا پلی بر روی فرات وجود داشته است. این شهر امروزه از بین رفته است و به نظر می رسد موقعیت تقریبی آن در مجاورت «قلعه نجم» کنونی (واقع در شرق شهر «منبج») است (← ریحاوی، 1969: 61-62).
4. ابن عدیم رؤیای خادم مشهد امام علی (ع) در رقه را نقل کرده است که در خواب امام علی (ع) و حسنین (ع) را دیده بود که در این مشهد، و «در محلی که گفته می شود جای کف دست است»، حضور یافته بودند (← ابن العدیم، 1988: 8/3855-3857).
5. علاوه بر مورخان یادشده، ابوشامه مقدسی نیز نقل کرده است که عمادالدین زنگی (پدر سلطان نورالدین محمود)، پس از به قتل رسیدن در قلعه جعبر، در صفین نزد اصحاب امیرالمؤمنین علی (ع) مدفون شد و سپس جنازه وی به رقه انتقال یافت و در آنجا به خاک سپرده شد (ابوشامه مقدسی، 2002: 1/182).

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (1967م). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، داراحیاء الكتب العربیة.
- ابن اعثم الکوفی (1991م). الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
- ابن حوقل النصبی (1992م). صورة الأرض، بیروت: دار مکتبة الحیاة.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا). وفيات الأعیان وأنباء أبناء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارصادر.
- ابن شداد، محمد بن علی (1978م). الاعلاق الخطیرة فی ذکر امراء الشام والجزیرة، تحقیق یحیی عبّارة، دمشق: وزارة الثقافة.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (1421ق). مناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف البقاعی، بیروت: ذوی القربی.
- ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی (1950م). کشف المحجّة لثمره المهجّة، النجف: المطبعة الحیدریة.
- ابن العدیم، عمر بن احمد (1988م). بغیة الطلب فی تاریخ حلب، تحقیق سهیل زکار، دمشق: دار القلم العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب، القاهرة: دارالمعارف.
- ابوشامه مقدسی، عبدالرحمن بن اسماعیل (2002م). الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة والصلاحیة، تحشیه و تعلیق ابراهیم شمس الدین، بیروت: دار الكتب العلمیة.

- ابوالفداء ایوبی، اسماعیل بن محمد (1840م). *تقویم البلدان*، باریس: دارالطباعة السلطانية.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (1961م). *المسالك والممالك*، تحقیق محمد جابر عبدالعال الحینی، بی جا: دارالقلم.
- امین، حسن (2002م). *دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بغدادی، صفی الدین عبدالؤمن بن عبدالحق (1992م). *مراصد الاطلاع علی أسماء الأمکنة والبقاع*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجليل.
- بلاذری، احمد بن یحیی (1987م). *فتوح البلدان*، تحقیق عبدالله انیس الطباع و عمر انیس الطباع، بیروت: مؤسسة المعارف.
- حرزالدین، محمد (1971م). *مراقد المعارف*، تحقیق محمد حسین حرزالدین، النجف الاشراف: مطبعة الآداب.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (1977م). *معجم البلدان*، بیروت: دارصادر.
- حیدر، کامل (1994م). *العمارة العربیة الاسلامیة: الخصائص التنظيمیة للمقرنصات*، بیروت: دارالفکر اللبنانی.
- خامه یار، احمد (2008م). *تاریخ مزارات الرسول وأهل البيت فی سوریه وعوامل ظهورها*، رسالة أعدت لنیل شهادة الماجستير فی الدراسات الإسلامیة، بیروت: الجامعة الإسلامیة فی لبنان.
- خصیبی، حسین بن حمدان (2002م). *الهدایة الکبری*، بیروت: مؤسسة البلاغ.
- الخوند، مسعود (بی تا). *الموسوعة التاریخیة الجغرافیة*، بیروت: بی نا.
- دینوری، احمد بن داود (1888م). *الاخبار الطوال*، تصحیح فلادیمیر جرجاس، لیدن: بریل.
- راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله (1409ق). *الخرائج والجرائح*، قم: مؤسسة الامام المهدي (ع).
- ریحاوی، عبدالقادر (1965م). «تقرير اولی حول انقاذ الآثار فی منطقة سد الفرات»، *الحوالیات الاثریة العربیة السوریة*، س 15.
- ریحاوی، عبدالقادر (1969م). «لمحة عن حضارة الجزيرة والفرات فی العهد العربی الاسلامی»، *الحوالیات الاثریة العربیة السوریة*، س 19.
- شوحان، احمد (1989م). *تاریخ دیر الزور*، بی جا: مكتبة التراث.
- مفید، محمد بن محمد، (1995م). *الإرثناد فی معرفة حجج الله علی العباد*، بیروت: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا). *تاریخ الرسل والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف.
- الطریحی، محمد سعید (1989م). «مشهد النبی حزقیال ذو الكفل»، *الموسم*، العدد 2 - 3، السنة 1.
- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر (1378ش). *نزهة القلوب*، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، قزوین: طه.
- مسعودی، علی بن الحسین (1973م). *مروج الذهب ومعادن الجوهر*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دار الفکر.
- «مشهد الإمام علی فی عانة» (1989م). *الموسم*، العدد 2 - 3، السنة 1.
- المعجم الجغرافی للقطر العربی السوری (1990م). إشراف: مصطفى طلاس، بی جا: مركز الدراسات العسکریة، بالتعاون مع الجمعية الجغرافیة السوریة و المؤسسة العامة للمساحة.
- مقدسی، محمد بن احمد (1906م). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، لیدن: بریل.

- منقرى، نصر بن مزاحم (1990م). وقعة صفين، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بيروت: دار الجيل.
- الموسوعة العربية (2004م). هيئة الموسوعة العربية، دمشق.
- موسيل، الواليس (بى تا). الفرات الأوسط: رحلته وصفية ودراسات تاريخية، ترجمة صدقى حمدى و عبدالمطلب عبدالرحمن داود، بى جا: المجمع العلمى العراقى.
- نهج البلاغة (1351ش). ترجمة سيدعلينقى فيض الاسلام.
- هروى، على بن ابى بكر (1953م). الإشارات إلى معرفة الزيارات، تحقيق جانين سورديلى - طومين، دمشق: المعهد الفرنسى.
- واقدى، محمد بن عمر (1996م). تاريخ فتوح الجزيرة والخابور وديار بكر والعراق، تحقيق عبدالعزيز فياض حروفش، دمشق: دارالبشائر.
- يعقوبى، احمد بن ابى جعفر (1883م). تاريخ يعقوبى، ليدن: بريل.